

تفسیر طوسی

السید علی الحلیت الحوزة العظمیٰ علیہ السلام
 ایالات عباد وایالات مستعین
 صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم ولا الضالین

تفسیر طوسی

شیخ طوسی و منابع تفسیری وی در «التبیان»

دکتر مرتضی کرمی نیا

«التبیان فی تفسیر القرآن» تألیف شیخ طوسی (۴۶۰-۴۸۵ق) نخستین تفسیر کامل شیعه است که در بغداد و دوران حکومت آل بویه تدوین یافته است. این اثر از جهات بسیاری با دیگر تفاسیر مختصر شیعه (پیش از شیخ طوسی) مانند عیاشی، فرات و علی بن ابراهیم لغوی و نیز تفاسیر اهل سنت چون فرام طبری و جابری متفاوت است. همین شیوه تفسیر نگاری شیخ طوسی را طی قرون بعد در میان مفسران معروف شیعی چون طبرسی، ابوالفخوخ، مولی فتح الله کاشانی و علامه طباطبائی می توان دید. مقاله حاضر با مروری بر منابع و روش های تفسیری شیخ طوسی در انتیابان روشن می سازد که این اثر محصول ذهن پویا، نگاه و جامع نگر شیخ طوسی در عصر خود در بغداد بوده است. مجموعه شرایط زمانی و مکانی قرن چهارم و پنجم هجری در بغداد علاوه بر نیازها، تنگناها و پرسش های اساسی علوم اسلامی در آن زمان، تفسیر التبیان شیخ طوسی را یکسره متفاوت از تمام تفاسیر پیش طوسی ساخته است. به گونه ای که می توان به وضوح آن را ترکیبی گزینش شده از بهترین آثار و آرای ادبی، لغوی، فقهی، کلامی و تفسیری شیعه و سنی در حوزه قرآن و در عصر شیخ طوسی دانست.

التبیان فی تفسیر القرآن، تألیف شیخ المظنفه ابو جعفر محمد بن حسن معروف به شیخ طوسی (۴۶۰-۴۸۵ق) نخستین و قدیمی ترین تفسیر کامل و جامع شیعی بر قرآن است که امروزه در اختیار داریم. هیچ یک از تفاسیر موجود شیعی متقدم بر وی، از جمله تفسیر فرات کوفی، عیاشی، علی بن ابراهیم لغوی و نعمانی کامل نباشند و به نظر نمی آید که کشفی، کتاب های مذکور در فهرست های قدیمی ای همچون فهرست (شیخ طوسی)، کتاب الرجال (نخعی) و فهرست (ابن ندیم) به تفسیر کاملی از قرآن، آن چنان که در قرون سوم و چهارم رایج بود، میرسانند و یا داشته باشند.

شیخ طوسی خود در کتاب فهرست (ص ۲۴) می گوید کتابی بی نظیر در تفسیر قرآن دارد. این گفته وی و حاوی های بسیار نادر، جز در انگیز برخی عالمان در طول تاریخ نشان می دهد. با تفسیر قرآنی جدید - از نظر روشی - و متفاوت با شیوه قدما و به روش جدید - است. جوری شیخ طوسی در التبیان، دست به استفاده وی از دانش های مختلف و نیز

از راه های تفسیری وی در این کار عظیم - دست تا زمان خود وی - در میان نگاشته های تفسیری شیعه منحصر به فرد است. از این رو همواره این پرسش اساسی در تاریخ تفسیر و نیز در شناخت سیر تحول تفسیر شیعه به شمار می آید که به کدام منابع فقهی، کلامی، ادبی و تفسیری شیخ طوسی و نیز الگوی وی در کار تفسیر طوسی چه بوده است؟ پرسش مهم تر اینکه چرا وی در دوره حیات خود با آنکه به بسیاری از منابع شیعه و اهل سنت دسترسی داشته است از برخی آنها بسیار کم بهره برده یا استناد نکرده است؟

روش شیخ طوسی در تفسیر قرآن که امروزه برای ما چندان عجیب نیست اما در قیاس با تفاسیر پیش طوسی بسیار متفاوت می نماید. محصول چندین دهه فعالیت علمی لقبهان و متکلمان شیعی در عراق و علی الخصوص به جلد در دوره اهل بویه است. در صدر این دسته از عالمان خود شیخ طوسی قرار دارد که نایب تپان و از بزرگترین عالم شیعی در عصر قرون میانه نخست امامان روش وی

از برخی جهات مسلمانان استخوان و معاصرانش در بغداد همچون شیخ مقبل (۴۱۴ق) که شیخ فخری (۴۰۶ق) و شریف مرتضی (۴۳۶-۴۵۵ق) تأثیر پذیرفته است. این شیوه متفاوت در تفسیر و روش جامع نگر وی را می توان «مکتب نقد جری تبیان» دانست که بر اغلب تفاسیر بعدی شیعه از جمله مجمع الایمان (طبرسی)، تفسیر ابوالفتح و زلی لاری (نقح القرآن لقطب رولندی)، منبع المصنفین فی قرآن المصنفین (ملافتح الله کلینی) و المیزان فی تفسیر القرآن (علامه طباطبائی) تأثیر گذارده است. باین همه اثر آنجا که چنین روشی در تفسیر نگاری شیعه در قرون ۳ و ۴ هجری در بغداد شکل گرفته است تمام مکتب تفسیری بغداد مناسب تر می نماید.

تفاسیر پیش طوسی

تأثیرش از زمان شیخ طوسی، سیدیهان تفسیر فراولی بر قرآن کریم تألیف کرد. بعد مجموعه این نگاشته های نقد جری آن چنان که از فهرست های کهن برمی آید نزدیک به یکصد رساله کوچک و بزرگ قرآنی و تفسیری را شامل می شود. در این

میان مهم ترین تفاسیرش جایی که اکنون به دست ما رسیده و در آثار ائمه تفسیر پیش طوسی می نامیم عبارتند از: ۱- نقد جری فرات کوفی، نگاشته فرات کوفی (زنده در ۳۰۷ق) ۲- تفسیر عیاشی، نوشته ابونصر محمد بن مسعود عیاشی (در دوره فیهب صفر) ۳- تفسیر علی بن ابراهیم لغوی (زنده در ۳۰۷ق) ۴- تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (در روایت ابوالحسن محمد بن قاسم استرآبادی) ۵- تفسیر نعمانی، متد - و به به ابوعبدالله محمد بن ابراهیم کاتب نعمانی معروف به ابن ابراهیم (در اوایل قرن چهارم) که جز اینها منابع متعدد تفسیری و رساله های قرآنی فراوانی را به صاحب نزدیک نامه چون ابوالجبار و جابر جعفی، ابن بن فلسفه، ثابت بن یونس معروف به ابو حمزه ثمالی، احمد بن محمد بن خلف طبری و نسبت می دهند که هیچ یک از آنها را نیز نمی توان تفسیر به معنای متداول در قرون سوم و چهارم دانست.

تفاسیر پیش طوسی چند ویژگی مشترک دارند که تقریباً هیچ یک در تفسیر التبیان شیخ طوسی به چشم نمی خورند:

۱- همه این تفاسیر گزیده و جزئی اند. هیچ یک از این آثار به قصد نگارش تفسیر کاملی بر تمامی سوره ها و آیات قرآن تألیف نشده اند. ۲- لی العنل تفسیر منسوب به امام حسن عسکری تنها تا پایان آیه ۲۸۲ سوره را در بر دارد. تفسیر نعمانی هم اساساً نوعی تفسیر ابتدای آیات قرآنی در ۶۰ موضوع مختلف است که لایه لای گشت و گوی میان امام و راوی نزدیک به ۵۰۰ آیه قرآن تفسیر می شود.

۳- ملاک گزینش آیات قرآن در این تفاسیر به ظهور عمومی یا توجه به آیه ای بوده است که با مسائل کلامی، تاریخی، فقهی و تفسیری مکتب اهل بیت و پیروان اهل بیت و مخالف دشمنان ایشان ارتباط داشته اند.

۴- تنها به نقل روایات ائمه می پردازند. به قدرت روایت یا ائسی از صحابه و تابعین که در می کنند و کمتر به بررسی نکات صرفی، نحوی، بلاغی، فقهی، کلامی و علمی در تفسیر آیات می پردازند یا به پیش

کتابخانه تخصصی حوزه علمیه قم
 شماره ثبت: ۱۳۸۵
 شماره نشر: ۱۳۸۵
 شماره چاپ: ۱۳۸۵

از شاعران جاهلی برای تعیین معنای واژه‌های استناد می‌کنند.

۵) مؤلفان این تفاسیر به آسانی و به شیوه‌ای غیر انتقادی روایات شاهی را در تخریف و حدوت تفصیل در آیه قرآن را نقل می‌کنند.

۶) این مفسران به همین نحو روایاتی نقل می‌کنند که در آنها نسبت به اهل سنت سه خلیفه نخست و برخی دیگر از صحابه منضمته‌هایی آمده و گاه موضع بسیار سرسختی در قبال ایشان ایجاد کرده‌اند.

تمام ویژگی‌های فوق در التبیان تفسیر یافته است. لولا التبیان تفسیری کامل بر تمام اجزاء آیه قرآن است. نتیجتاً جز نقل روایات تمهید هم برای دیگر مفسران تفاسیر نخستین چون قتاده ابن عبّاس و... به وفور در آن آمده است و هم نویسنده آن به نامی علوم و فنون متعلق به تفاسیر همچون صرفه نمودن اشتقاق، معنی و بیان، حدیث، لغت، کلام، تاریخ و حتی علوم طبیعی توجه کرده و تفسیر خود را در آن عصر در شمار تفاسیر غیر متأخر قرار داده است. ثالثاً به صراحت در مقدمه کتاب خویش (التبیان ج ۱، ص ۲) روایات دال بر تخریف قرآن را در شمار اخباری آحاد و ضمیمه‌ای می‌دهد و هر گونه تخریف را باطل می‌داند. از ساحت قرآن کریم دور می‌شمارد و سرانجام آنکه در عین دفاع از آموزه‌های فقهی، کلامی و تفسیری شیعه تقریباً هیچ گاه روایات یا جعلی یا مشعر به منضم خلیفه صحابه و عموم اهل سنت در تفسیر خود نقل نمی‌کند.

شیخ طوسی در مقدمه التبیان با اشاره به تکریم خویش از نوشتن این تفسیر می‌گوید هیچ‌یک از علمای شیعی را ندیده‌ام که کتابی در تفسیر تمام قرآن و تفسیر هر همه انواع علوم و معانی آن نوشته باشند. تنها برخی از ایشان به ذکر روایات موجود در کتب حدیثی پرداخته‌اند. کسی که استقصا کند یا در تفسیر مبهمات آن بکوشد و وی علمای اهل سنت را در این موضوع به آگه‌استه تفهیم می‌کند. کسی چون طبری که به تطویل، هر سخن منطقی را در تفسیر قرآن گره آورد، مدعی کسب که به اختصار تنها به سه ندر الفاظ غریب و مشکل قرآن پرداخته و آنها که راه میانه را پیموده و بیشتر به علوم توجه کرده‌اند که خود در آن تبحر داشته‌اند، فی‌الصلح زیاده و فرافراهم و نوجو، منضجین یسه به وژگن و اشتقاقی افراطی را علی‌جا بی‌کلا در برابر تقاسم یعنی به فقه توجه کرده‌اند. طوسی تنها تفسیر لوسام محدثین بحر اسفندی (۲۲۲-۲۵۲) و علی بن عبّاس رمانی (۲۸۴-۲۹۶) که هر دو از علمای معتزله هستند را بهترین می‌داند. اما یادآوری می‌کند که ایشان نیز گاه به امور غیر ضروری پرداخته‌اند و بنا بر این وی می‌کوشد که تفسیرش به اختصار همه فنون و علوم قرآنی را در بر گیرد، مشهور قرآن را توضیح دهد. مباحث کلامی در رد مباحثه و مشهور مجتبه و جز ایشان را بیان و ادله علمی شیعه بر حقیقت اصول و فروع مذهبشان را با استناد به آیهات قرآن بزرگو کند.

این نخستین بار است که عالمی شیعی در تفسیر خود از مفسران اهل سنت نام می‌برد. در ایشان ندهایی وارد می‌کند. برخی را می‌ستاید و در جای‌جای کتب خود بی‌حجاب به استناد شاعران جاهلی یا مختصر می‌آورد (چون احنسی، نایفه، یاسر الفیس، زمین بن ابی سلمی و جری بن علی، القوال لغویان و نحو این) (چون سیبویه خلیل بن احمد کسائی، نعلب، فراره و ابن بید) فرات قراده سیعه و غیر سیعه (چون لبی، ابن سعده، نافع مدنی، حمزه کوفی، یعقوب بن اسحاق). آثار فقهی و از همه بهتر مکتوبات کلامی (چون آثار و ابی شریف مرتضی و نیز مغربی، نوافل تقاسم بلخی، ابوعلی جبایی و رمانی) اشاره می‌کند و حتی از بسیاری مفسران دور معاصر نخستین (چون ابن عباس، قتاده عکرمه، ضحاک و حسن بصری) که پیشتر گرایش‌های غیر شیعی داشتند، مصلحتی نقل و گاه تقدیمی‌کند.

به همین سان وی در مقدمه کتاب خود عالمی شیعه و تفسیر ناگفتنی ایشان را تقدیمی‌کند. اما انتقاد وی از علمای و مفسران شیعی پیش از خود به این مصائب است که در کتب خود به این آثار هیچ توجهی

نمکنند یا آنها را ندیده‌است. یادآور می‌کند که وی در جامع‌نگری و نه جزئی‌نگری تفسیر قرآن بر گرفته است. گاه در کنار سایر مباحث خود به برخی اقوال و روایات تفسیری شمه در کتب مختلف نام اشاره می‌کند. اما سلاک وی در انتخاب روایات شاهی و شیعه وی در پردازش بحث کلاما متفاوت از کتب مفسران پیش طوسی است.

از زیبایی منابع شیخ طوسی در التبیان آلفا منابع تفسیری ما آور شیعه نخستین دست از منابع شیخ طوسی آثار تفسیری شیعه و به طور کلی روایات متأخر شیعی است. اگر از مجموعه روایات پراکنده تفسیری که از پیامبر اکرم صلی علی و دیگر کتب در متون و مراجع روایی امامیه آمده است صرف نظر کنیم، بخش کوشش‌های تفسیری شیعه را باید در تکریم تفسیر شیخ طوسی به دست برخی از شاگردان امامیه دانست. هر یک از این کتب با توجه به محتوای دست‌مانزوده امامیه در آن زمان تا قرن‌ها در دسترس علمای شیعه و سنی بود. هر چند و ایشان در کتب تفسیری خود از آنها نقل کرده‌اند.^{۵۵}

بخشین تألیفات تفسیری شیعه که اکنون به دست ما رسیده یعنی تفسیر فرات کوفی، عبّاسی، علی بن ابراهیم کوفی و جز آن، اغلب با بهره‌گیری و گزینش از میان همین آثار متفهم تهیه شده‌اند. مروری بر آثار رجالی و حدیثی شیخ طوسی نشان می‌دهد که وی تمامی این آثار متقدم را متأخر امامیه در زمینه تفسیر را می‌شناخته و بیشتر آنها در دسترس وی بودند. به این همه میزان استفاده وی از این تفاسیر و سایر محدود و لغوه‌گزینش و نقل روایات شیعه در تفسیر وی

کلاما متفاوت و تا حدی محتاطانه است. وی با آنکه از مفسران قدیم اهل سنت در طریقه صحابه و تابعین و نیز مفسران متأخر ایشان همچون طبری، فرامبار علی جبایی، ابو القاسم باغی و... به کسرات نام برده و گاه از کسائی، چون علی بن عبّاس رمانی و لوسام محدثین بحر اسفندی یا اعجاب و... نام می‌برد و حتی نقل قول می‌کند در مقابل بسیار کم به مفسران شیعه (شاگردان امامیه و نخستین مدعوان تفسیر شیعه) اشاره می‌کند. گو اینکه شأن امامیه در نظر وی با هیچ‌کس قابل قیاس نیست و اشاره

به اقوال ایشان به ویژه امام باقر و امام صادق در تفسیر وی فراوان است.

اسلامی روایان و صاحب‌کتابه در قرون اول و دوم هجری که آثار قرآنی و تفسیری‌شان در دسترس شیخ طوسی بوده است، بسیار به تفریط ذکر می‌شود. فرات این امر وقتی بیشتر جلب توجه می‌کند که در باب طبری و یکی از یک سده بعد هنگام نگارش تفسیر خود بر مبنای تفسیر التبیان، به وفور از این آثار نام می‌برد و روایاتی از آنها نقل می‌کند. نام تفسیر به جا آمده از قرون دوم، سوم و چهارم چون آثار ابو حمزه ثمالی، ابن جبلی، حیری، سیاری عبّاسی، فرات کوفی و نهمی نیز در هیچ جای تفسیر التبیان نیامده است. به این همه با جست‌وجو در برخی مواضع این تفسیر، مواردی را می‌توان یافت که شیخ طوسی آنها را از این تفاسیر برگرفته است. معروفترین مصحح‌نامه که منابع کهن چون الفهرست ابن ندیم، رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی آنها را صاحب کتاب‌هایی در تفسیر و قرابت دانسته است عبارتند از: ابان بن تغلب (م ۱۴۱ ق)، ثابت بن یسار مصروف به ابو حمزه ثمالی (م ۱۶۸ تا ۱۵۰ ق)، جابر بن یزید جعفی (م ۱۶۸ ق) که زیاد بن منذر معروف به ابوالجبار بود، ابوالحسن علی بن ابی حمزه البطلانی (م ۲۰۱ ق)، ابوحامد حسن بن علی بن ابی حمزه البطلانی، عید بن خلوص جبار، محمد بن علی بن ابی حمزه البطلانی (م پیش از ۱۶۸ ق) که منخل بن جمیل اسدی معروف به بیاع الجوزی را روی جابر جعفی و... جز هو تفسیر جعفر جعفی و ابوالجبار و نام

هیچ‌یک از این صاحبان آثار تفسیری در کتب ایشان نیامده است. حال آنکه مغزلات بسیار از ایشان در تفسیر پیش طوسی از قبیل حیری، عبّاسی، فرات کوفی، علی بن ابراهیم کوفی، تفسیر حسن ثوری، حتی مجمع البیان امین الاسلام طبرسی و تفسیر روایی متأخر چون البرهان (سید هاشم بحرانی) و نورالتقلین (شیخ عبدالعلی بن جمعه عوسی هویزی) آمده است. یگانه تفسیر کهن امامیه که شیخ طوسی پل‌ها و یوسطه از آن نقل می‌کند و در صحنه‌ها نام می‌برد، ابوالجبار و دست‌آینه آرای تفسیری منقول از ابوالجبار و در کتاب التبیان منحصر به مواردی است که در آنها هیچ نشانه‌ای از جابباری یا اشتقاق شیعه به چشم نمی‌خورد. در این موارد طوسی پس از ذکر قولی از صحابه و تابعین می‌گوید: هشتم این سخن را ابوالجبار و از کلام باقر روایت کرده است (همان ج ۲، ص ۱۱۴، ج ۳، ص ۱۱۴، ۱۱۴، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۲). این نشان می‌دهد که به نظر مفسر مالیه ابوالجبار هم می‌خواهد همان سخن را بگوید که مفسران سفاهل منت گفته‌اند.

از میان تفسیر متون روایی پیش طوسی تنها به نقل‌هایی بسیار اندک از کتاب تفسیر عبّاسی و تفسیر علی بن ابراهیم کوفی برمی‌خوریم. چنانچه آنکه شیخ طوسی هیچ گاه در تفسیر خود به نام عبّاسی اشاره نمی‌کند و تنها ابی‌بن‌ابراهیم کوفی نام می‌برد. این امر چنین گمانی را تأیید می‌کند که در همین موارد اندک هم دست‌کم هنگام نقل از عبّاسی وی روایات تفسیری را از دیگر منابع حدیثی کهن نقل کرده است.

استفاده اندک شیخ طوسی از روایات موجود در آئین عبّاسی و علی بن ابراهیم

کمی به هیچ‌روى شامل تأویلات بعد از این تفسیر نمی‌شود بلکه منحصر به مواضعی است که بسیار مشابیه متفاوت صحابه و تابعین باشند یا اینکه رایج‌ترین خاص ایشان، اما قابل قبول برای عموم مسلمانان باشند. فی‌المثل وی در تفسیر آیه ۱۵۸ سوره نسا (و ان من اهل الکتاب الا لیؤمنن قبل مؤمنه) می‌گوید مفسران در تعیین هر جمع ضمیر «فصله» در صورت «کیفیت و زمان اجماع آوردن به عبّاسی» اختلاف نظر دارند. آنکه پس از نقل نظر دوم می‌گوید: «ذهب ائمه ابن عباس و ابوسالمک و الحسن و قتاده و ابن زید و ذکوان لایفهم الامام و اختاره الطبرسی» قال: والا یه خاصه لمن یکن فی ذلک الزمان و هو الذی ذکره علی بن ابراهیم فی تفسیر اصحبه.^{۵۶}

پس این تفسیر شیخ طوسی در التبیان آثار کلامی و تفسیری شیعه در قرون هجرت تفسیری به‌داده است. شیخ طوسی خود یکی از مهم‌ترین بیان این مکتب علمی در بغداد است. اما فضای علمی و اجتماعی آن روزگار و تلاش علمای بزرگی چون شیخ مفید (۱۱۲ ق) که تفسیر شیخ طوسی (۶-۲۰ ق) و شریف مرتضی (۲۲۶-۲۵۵ ق) در شکل‌گیری این مکتب قابل چشم‌پوشی نیست. شیخ طوسی خود مدت ۵ سال از نخستین سال‌های ورود به بغداد را در ملازمت مفید می‌گذراند و پس از وی ناصبانی فراوان از شاگردان نزدیک شریف مرتضی به‌شمار می‌آید. از مفید هیچ اثر تفسیری مستقلی بر جای نمانده است. اما وی در لای رساله و کتب فقهی و کلامی خود بارها به تفسیر برخی آیهات قرآن پرداخته است. دو اثر دیگر تفسیری-حلی از شریف مرتضی و شریف مرتضی عبارتند از: «غرر القوائد و در افتراء» از شریف مرتضی معروف به ثمالی، «المرئوف و حقائق التأویل فی مشابیه التقلیل» از شریف مرتضی.

کلام شیعی در این دوره به دلیل مجاورت و گاه رویارویی با متکلمان حوزی، تأثیراتی از برخی متکرران معتزله به‌داده یافته است. این تأثیر در آثار شیخ مفید کمتر و در نوشته‌های شریف مرتضی

شریف مرتضی و شیخ طوسی بسیار بیشتر مشهود است. شریف مرتضی خود را از شاگردان علی بن عبّاسی اطرفی، ابوبکر محمد بن موسی خولریزی، قضی عبدالجبار مغزلی و ابوالفتح ابن جنی می‌شمارد.^{۵۷} شیخ مفید نیز از ابوبکر عبدالله بصری، علی بن عبّاسی رمانی، شریف مرتضی، ابوالفتح ابن جنی و قضی عبدالجبار معتزلی، نحو و کلام خوانده بود.^{۵۸} اینان به‌عکس برخی معدنان پیشین امامیه سر یا خود را متکلم و طرفدار علم کلام می‌نویسند. با این همه کوشش‌های ایشان بر آن بود که در عین عقلانی کردن آموزه‌های امامیه و پذیرش اصولی چون عدل و صفات الهی از متکلمان معتزله، مفید ناسل‌کار فلسفه با کلام معتزلی چون مسئله ابدیت را حفظ و تحکیم کنند. همین رویه، فی‌المثل شریف مرتضی کتاب «الفاسفی فی الإلهامه» را علیه آموزگار سابق خود قضی عبدالجبار نوشت.^{۵۹}

نقد‌های این دسته از علمای شیعه بغداد علیه محدثان کوفی گاه بسیار گزنده و تند بوده است. هیچ‌یک از ایشان هشدارهای علمای قسم مبنی بر دوری و کناره‌گیری از متکلمان معتزلی و حتی حوری از متکلمان شیعه نوبختی را جدی نگرفتند. مفید، تصحیح الاعتقادات خود را به منظور بازنگری و نقد کتب استناد خود از ابی‌بن‌ابراهیم کوفی (شیخ صدوق) نوشت.^{۶۰} حتی وی را از حشویه به‌شمار آورد.^{۶۱} شریف مرتضی نیز رسماً تمام علمای قم جز شیخ صدوق را مشرک و مجبره خواند و هم او در نقد عمل به خیر واحد اصحاب معروف کتب چون یونس بن عبدالرحمان و فضل بن شاذان را به سبب اعتقاد و عمل به قیاس، کافر دانست. ایشان از سوی دیگر همواره با تکیه بر استدلال‌های عقلی و نقلی به بررسی و نقد آثار و افکار تلمیذی فرق و مذاهب معروف اسلامی در باب مهم‌ترین مسائل کلامی، قرآنی، فقهی و تفسیری می‌پرداختند. شیخ طوسی نیز که متعلق به همین نسل است و در شمار علمای شیعه بغداد قرار دارد از این گرایش بر کتلی نیست. رده‌های فراوان وی علیه اعتقادات شاعر، مجریه، مشبهه، مجسمه و دست‌های از معتزله (به‌شماره) فضایی‌ین تفسیر را در قیاس با تفسیر پیش طوسی بسیار متفاوت ساخته است. این رنگ‌بوی متفاوت امری است که در آثار کلامی، تفسیری شیخ مفید و شریف مرتضی به‌وضوح هویداست.

نقل‌های صریح شیخ طوسی از شریف مرتضی بسیار بیشتر از مفید و شریف مرتضی است. نام این دو فرد اخیر هیچ‌گاه در التبیان ذکر نمی‌شود. هر چند برخی از آرای ابن عبّاس کلامی یا تفسیری ایشان مورد نظر شیخ طوسی بوده است.^{۶۲} به عکس طوسی همواره نام استناد خود شریف مرتضی را در تفسیرش به‌طور کامل (المرئوف علی بن الحسن الموسوی) و با احترام فراوان ذکر می‌کند.^{۶۳} و آری او را می‌پذیرد. هر یک مورد شگفتی نیست. آری را به استناد نسبت می‌دهد و بعدها در جای دیگری می‌گوید این رای از آن خود من بوده آن را با شریف مرتضی عرضه کرد. او هم آن را پسندید و اختیار کرد. موضوع سخن وی بحث در زنده بودن «کتاب» در جمله طوسی کلمه‌شی و استناد او در التبیان می‌گوید به نظر شریف مرتضی «کتاب» له‌جاً زنده نیست. چه وقتی مثل او مثل ندارد به طریق اولی خود او نیز مثل و شبیه ندارد. به‌نحوا ماجرای طرح این نظریه در حضور شریف مرتضی و استحسن وی نسبت به این رای را تفسیر می‌کند.^{۶۴}

دیگر نقل‌هایی که پیوند میان شیخ طوسی و استنادش شریف مرتضی را روشن می‌کند، به موضوع ماهیت حروف مقطعه در آثار برخی مفسرین مربوط می‌شود. پیش تر شریف مرتضی^{۶۵} باره مشروح تلمیحی دیدگاه‌های مختلف علمای اسلامی در باب حقیقت و معنای حروف مقطعه این حروف را نهم‌هایی برای هر یک از مفسرین داشته است. وی سپس (حاج‌جان) می‌کوشد به تمام ایرادها و اشتباه‌های احتمالی به این نظریه پاسخ دهد. همین رای در تفسیر التبیان بارها مطرح شده است و شیخ طوسی آن را یگانه و چه معلول در تعیین حروف مقطعه می‌داند. وی می‌آنگهد از شریف مرتضی نام

